

روند وریشه‌های انشعاب

گزارش به دومین کنگره درباره انشعاب

مقدمه

عمل انشعاب بزرگ‌ترین حادثهٔ تشکیلاتی و انحرافی است که تاکنون در حزب ما روی داده است. این عمل که در وضعیت خاص و با تهیهٔ زمینه و باهدف‌های معین انجام گرفت ممکن بود بزرگ‌ترین لطمه را به حزب ما وارد آورد. رشد اعضای حزب ما و حزم و احتیاطی که هیئت اجرائیه در مبارزه با این دسته‌بندی مراعات کرد، باعث شد که انشعاب یا حداقل آسیب و حداکثر سرعت از سر حزب ما گذشت ولی این موضوع به هیچ وجه از اهمیت خطر و اندازهٔ خیانت نمی‌کاهد. از این جهت وظیفهٔ حزب ماست که تاریخ انشعاب را دقیقاً بنویسیم تا نمایم و کلیهٔ نکات آن را کاملاً روشن نگاه دارد. ما در این گزارش کوشش می‌کنیم که زمینهٔ این اقدام را فراهم نمائیم.

ریشه‌های انشعاب که پیش از وقایع آذرماه ۱۳۲۵ نیز وجود داشت

۱. نقایص حزب ما علل اصلی انشعاب همان‌هاست که بعداً ذکر خواهد شد و مخصوصاً این علل پس از وقایع آذربایجان بوجود آمد و نیرو گرفت، ولی نظر به این که اشخاص ساده، کم تجربه، کم سواد و بی حوصله نقایص حزب ما را بهانه‌ای برای اغماض نقایص خودشان قرار می‌دادند و اشخاصی در اثر اصرار در همین بهانه‌جویی در سراشیب انشعاب افتادند و نظر به این که نقایص حزب ما نقطهٔ اتکاء افراد مغرض، سارلانان، و پرووکاتور قرار می‌گرفت لازم است که نقایص مذکور را در موقع تحلیل حادثهٔ انشعاب فراموش نکنیم تا این نکته برای همیشه در خاطر ما بماند که نقایص حزب اگرچه به خودی خود آن قدر قوی نباشد که اساس کار را متزلزل کند پس از آن که با سادگی یا غرض ورزی افراد توأم شد ممکن است زمینهٔ خطر بزرگی را فراهم آورد.

در قطعنامهٔ هیئت اجرائیهٔ موقت حزب بودهٔ ایران که در شمارهٔ ۲۸ نشریهٔ

هفتگی به طبع رسیده در مورد قضاوت راجع به گذشته حزب چنین گفته شده است: "گناهکاران و مسئولینی بودند که به سبب بی‌قیدی و وظیفه‌شناسی خود صدمات چندی به حزب ما زدند و کسانی هستند که در اثر عدم قابلیت خود از مسئولیت‌ها برکنار شده و یا باید بشوند".

این گونه اشخاص که خود موجب و موجب نقایصی بودند طبیعتاً تحمل انتقاد از نقایص را نیز نداشتند و کوشش می‌کردند که انتقادات را حتی المقدور بی‌اثر بگذارند. باید گفت که این‌ها در حقیقت معاونین انشعابون بودند زیرا که انشعابون همیشه بر روی آن‌ها تکیه داشتند و اگر عملیات آن‌ها نبود بسیاری از عوام فریبی‌های انشعابون از رونق می‌افتاد.

۲. افراد فاسد و منحرف بدیهی است که هیچ حزبی و مخصوصاً حزبی که در محیطی عقب‌مانده مانند ایران بوجود می‌آید و در اثر اوضاع خاصی به رشد نسبتاً سریعی نائل می‌شود، از افراد فاسد و منحرف خالی نخواهد بود، افراد خودخواه، جاه‌طلب، ابن‌الوقت و یا آن‌هایی که ممکن است اصولاً دارای نیت پاک باشند ولی از درک تئوری‌های مبارزه و یا انطباق عملی آن‌ها عاجز بمانند.

این افراد همیشه کوشش دارند انتقادات صحیح مبارزان حزبی را به خود نسبت داده آن انتقادات را بزرگ کنند و از حیثیت حزبی منتقدین منطقی سوءاستفاده نموده هیا هو راه بیندازند. نمونه‌هایی از این هردو نوع افراد، همیشه در حزب ما راه داشته و خود را مخصوصاً در مواقع بحرانی بروز داده‌اند.

.....

۳. اختلاف در طرز تفکر با خلیل‌ملکی و انورخامه‌ای خلیل‌ملکی درجه ۵۳ نفر بود ولی همیشه اختلافات زیادی میان او و رفقایش وجود داشت که عموماً باعث نفاق و کدورت می‌گردید. از همین جهت پس از شهریورماه ۱۳۲۰ که حزب توده ایران تاسیس شد خلیل‌ملکی به بهانه‌های گوناگون به حزب نیامد. این بهانه اصولاً قابل قبول نبود زیرا که خلیل‌ملکی نه تنها به حزب نیامد، بلکه در خارج از حزب نیز هیچگونه فعالیت سیاسی در پیش نگرفت و حتی به مقاله‌نویسی در روزنامه‌های دیگر نیز که ممکن بود به نهضت آزادی بطور کلی کمکی بنماید دست نزد، اما رفقای زندان او چون جدا معتقد بودند که باید از حداکثر قوا استفاده کرد با او وارد مذاکره شدند و بالاخره در اثر ملاقات‌ها ملکی راضی به ورود در حزب گردید. این موضوع، کمی پیش از کنگره اول حزب اتفاق افتاد و خلیل‌ملکی در اثر پشتیبانی عده‌ای از رفقای فعال عضویت کمیسیون تفتیش کل انتخاب شد. اما اختلاف نظر و سلیقه که میان ملکی و سایر رفقای دستگاه رهبری وجود داشت روز بروز بیشتر نمایان می‌گردید و همکاری آن‌ها را با یکدیگر فلج مینمود. از جمله این موارد یکی این بود که خلیل‌ملکی نهضت ایران را در کادر نهضت‌های جهانی در نظر نمی‌گرفت و عموماً جریانات داخلی و مخصوصاً شخص

خود را در مقابل جبهه دموکراسی جهان قرار می‌داد. از طرف دیگر ملکی تصور می‌کرد و این تصور بتدریج در نزد او بدرجه اعتقاد رسیده بود که با دولت‌های امپریالیستی و مخصوصاً انگلستان می‌توان کنار آمد، و این نظر در نزد او مخصوصاً پس از مسافرت به انگلستان قوت گرفت. ملکی در مصاحبه خویش با مرگان فیلیپس منشی حزب کارگر - که در شماره ۶۵۲ مورخ ۱۳۲۴/۹/۲۵ روزنامه رهبر بجای رسیده است (ورقه ۳) - چنین گفت:

"من تصور می‌کنم که برای حفظ منافع بریتانیا در شرق، هیچ لرومی نداشته باشد عمال و شاگردان مکاتب دیکتاتوری و ظالمان و جباران را بجان توده مردم انداخت. سیاست بریتانیا می‌تواند منافع خود را بدون آنها نیز حفظ کند و این بی‌آبرویی را که بنام او مرتکب می‌شوند برای حفظ شئونات بریتانیا صرفه‌جویی نماید. زیرا ملل مشرق زمین حتی آزادیخواه‌ترین آنها امروز ضرورت‌های بین‌المللی را حس نموده و حاضراند در روی پیمان‌های موجوده منافع بریتانیا را ملحوظ داشته ولی از ثمره یک حکومت مستقل دموکراسی که در زیر نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان نباشد برخوردار گردند."

به این طریق، خلیل ملکی منافع بریتانیا را در میان ملل شرق (هندوستان - مصر - ایران - عراق و غیره) با حکومت مستقل دموکراسی خالی از نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان - که البته انگلستان نیز در جز آنهاست - قابل تلفیق می‌داند!

پس از بازگشت از انگلستان، خلیل ملکی مقالاتی درباره این مسافرت در روزنامه رهبر منتشر ساخت که چند جمله ذیل از یکی از آنها - مندرج در شماره ۱۳۲۴/۱۱/۲ روزنامه رهبر (ورقه ۴) - نقل می‌شود:

"باید انصاف داد که طبقه حاکمه بریتانیا برای سکنه آن جزیره و حتی برای مردمان طبقه سوم یک عدالت اجتماعی نسبی تهیه نموده‌اند اگر بگویم در آن جزایر خوشبخت و یا ارض موعودبهبشتی تهیه نموده‌اند زیاد اعراف نگفته‌ام." در اینجا خوانندگان باید قضاوت کنند آیا چنین قضاوتی می‌تواند متعلق به کسی باشد که جامعه امپریالیستی را با دقت علمی مینگرد و نسبت به اصول امپریالیسم کینه دارد.

بعدها نیز از اینگونه قضاوت‌ها از خلیل ملکی دیده شد. مثلاً پس از حوادث آذر ۱۳۲۵ از طرف هیئت اجراییه به او ماموریت داده شد که جزوه‌ای درباره بعضی از رئوس مسائل مرامی ما بنویسد. این جزوه را خلیل ملکی تحت عنوان حرف حسابی ما چیست؟ (ورقه ۱۵) نوشت و پس از اصلاحات بجای رسید،

معدالک انحراف منطقی این جمله که در پایان جزوه دیده میشود آشکار است :

"دشمنان اصلاحات داخلی و آتیهائی که آلت سیاست‌های بین‌المللی خطرناک شده‌اند این سیاست میهن‌پرستانه ما را می‌خواهند به بیگانه‌پرستی متهم نمایند، در صورتی که می‌بینیم امروز حتی از پارلمان انگلستان صدائی عین عقاید ما بلند می‌شود. مثلاً روزنامه اطلاعات نقل از منابع انگلیسی زیر عنوان "۵۷ نفر نمایندگان مخالف حزب کارگر انگلستان" می‌نویسد: "باید ... نمایندگان سیاسی انگلستان تغییر کنند و بطورکلی این نمایندگان در تمام نقاط دنیا و بخصوص در کشورهایی که اطراف اتحاد جماهیر شوروی واقع شده بتوانند از روی بیطرفی منافع اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا را بسنجند و منافع انگلستان را حفظ کنند، بدون اینکه در باطن برعلیه شوروی عقیده یا فکری داشته باشند ..."

سپس خلیل ملکی اضافه می‌کند :

"ما امیدواریم و خیلی خوشحال خواهیم شد که این نظریه غیررسمی نمایندگان پارلمان انگلیس متدرجا نظریه رسمی وزارت خارجه انگلستان شود."

ملکی در آغاز این جزوه نیز مرتکب یک انحراف بزرگ ایدئولوژیک شده و

چنین نوشته بود :

"وظیفه تاریخی حزب توده ایران این بوده و هست که توده‌های محروم کشور ایران را در زیر پرچم دانشمندان محرب و جوان تبدیل به یک نیروی متشکل اجتماعی نماید."

این جمله که در حقیقت جتیه طبقاتی مبارزه را یکلی فراموش کرده و بجای اینکه دانشمندان و دانشوران را بزیر پرچم توده‌های محروم بخواند توده‌های محروم را در زیر پرچم دانشمندان و دانشوران که از لحاظ مبارزات طبقاتی دارای وضعیت ثابتی نیستند دعوت نموده است بقدری منحرف بود که هیئت اجراییه پس از طبع جزوه و پیش از انتشارش دستور داد جمله "زیرپرچم" را سیاه نمایند و به‌این دستور عمل شد و این موضوع صریحا در تمام نسخه‌های چاپی این جزوه مشاهده می‌گردد.

اینها نمونه‌هایی از اختلافاتی بود که بین طرز تفکر حزبی ما و خلیل ملکی وجود داشت. عدم موفقیت‌هایی که بر خلیل ملکی در سال‌های عضویت او در حزب توده ایران دست داد و معلول همین طرز تفکر بود اختلافات مذکور را تشدید کرد. خلیل ملکی در کنگره اول حزبی کاندید عضویت کمیته مرکزی

بود، ولی انتخاب نشد. سپس برای فعالیت‌های حزبی به آذربایجان گسیل گردید، ولی در اثر روش ناصحیح خویش نتوانست دوام بیاورد و ناچار به بازگشت شد. این حوادث و نظائر آن باعث شد که خلیل‌ملکی در راه لحاج رهسپار شود و چون طبیعت آماده‌ای برای قبول این راه داشت قدم‌هایی برداشت که او را سرانجام به مهلکه انشعاب کشاند.

.....

۴. کتاب چه‌باید کرد؟ دکتر اپریم، دکتر در اقتصاد و تحضیل‌کرده انگلستان است. این شخص در آذرماه ۱۳۲۴ وارد حزب توده ایران شد و کتاب چه‌باید کرد؟ را بطوری که در جواب‌های خود گفته‌است (ورقه ۸۳) سه ماه قبل از ورود به حزب نوشته و با بعضی از دوستان خود و مجمله آقای دکتر کیانوری در میان گذاشته‌بود. این کتاب پس از انتشار مورد تحقیق کمیسیون تفتیش کل قرارگرفت و منشی کمیسیون تفتیش کل آقای دکتر کیانوری در تاریخ ۲۵/۴/۸ درباره آن به این نحو به کمیته مرکزی گزارش داده‌است (ورقه ۲) :

"با ارسال یک نسخه کتاب چه‌باید کرد؟ نوشته آقای اپریم به اطلاع میرسانم: آقای اپریم در ۸ ماه قبل یک گزارش برای روزنامه‌های دست‌چپ انگلستان در اطراف اوضاع سیاسی ایران و حزب توده ایران داده و ترجمه آن را برای اطلاع کمیته مرکزی ارسال داشت. کمیته مرکزی مطالعه و بحث در اطراف گزارش را به اینجانب واگذار نموده و بعداً هم نتیجه بحث را به اطلاع کمیته مرکزی رساندم. گزارش دارای بعضی جنبه‌های مثبت و بعضی جنبه‌های منفی و تحریک آمیز بود و به سختی مورد انتقاد قرارگرفت. من به ایشان تذکر دادم که نوشتن این نامه به روزنامه‌های خارجی بسیار غلط است، ولی از آنجائی که در آن تاریخ آقای اپریم عضو حزب نبود، ممانعت از ارسال گزارش ممکن نبود. بعدها مدت‌ها با آقای اپریم در خصوص فعالیت مثبت مذاکره شد و بالاخره نتوانستم نامبرده را قانع نمایم به حزب وارد نمایم. . . . در روز ۲۵/۴/۶ من از آقای مهندس علوی عضو تفتیش کل اطلاع حاصل کردم که آقای اپریم کتابی بنام چه‌باید کرد چاپ و منتشر کرده‌است و در آن نسبت به روش حزب بعضی انتقادات صحیح و برخی غیرصحیح و در چند نقطه تحریک‌آمیز نموده‌است. قورا به آقای اپریم مراجعه و پس از گرفتن یک نسخه از کتاب و مطالعه و تصدیق نظریه مهندس علوی وسائل جلوگیری از انتشار کتاب فراهم آمد، بطوری که تنها ۶ یا ۷ نسخه از

این کتاب که در دست رفقای مسئول حزبی می باشد، منتشر شده است. بعقیده اینجانب باید آقای ابریم فوراً به محاکمه حزبی دعوت و تصمیم به مجازات لازم در مورد ایشان گرفته شود.

این گزارش بطوری که در ذیل آن نوشته شده است در جلسه کمیسیون تفتیش کل روز سه شنبه ۲۵/۴/۱۵ مورد بحث قرار گرفت و آقایان روستا، دکتر کیانوری، دکتر جودت مامور رسیدگی و محاکمه آقای دکتر ابریم شدند ولی متأسفانه این جلسه بیشتر از یکبار تشکیل نشد و موضوع در اثر تقایص کار ما مسکوت ماند و دکتر ابریم بعد از وقایع آذربایجان بدون اجازه حزب توده ایران به انتشار کتاب خود پرداخت. انحرافات ایدئولوژیک این کتاب در کتاب در راه یک انحراف که یلدا در آبان ماه ۱۳۲۶ با اجازه هیئت اجرائیه حزب توده ایران، منتشر ساخت و همچنین در کتاب راه حزب توده ایران که در دی ماه همان سال انتشار یافت مفصلاً تشریح شده است و ما در فصل های آینده به آنها اشاره خواهیم کرد. در اینجا به این تذکار اکتفا می کنیم که کتاب دکتر ابریم به انحرافات حزبی کمک زیادی کرد و مطالب این کتاب و طرز غیرحزبی انتشار آن، دستگاه رهبری را از اعتبار انداخته، افراد فریب خورده و یا مغرض را به طغیان بر علیه حزب خویش تشویق می نمود. اگر انتشار این کتاب را پهلوی ملاقات هایی که دکتر ابریم از سابق با امثال فیروز شهاب پور و آل احمد داشته است بگذاریم نقش مداومی که شخص او در تخریب تشکیلات ما و پیش آوردن انشعاب داشته است بخوبی دیده میشود.

وقایع تازه و پیدایش علت های دیگر

اینها بود زمینه هایی که پیش از وقایع آذر ماه ۱۳۲۵ برای انشعاب فراهم میشد اینک ما بذکر وقایعی که پیش آمد و باعث گسترش بیشتر این زمینه گردید میپردازیم:

۱. وقایع آذرماه ۱۳۲۵ - درباره این حوادث و تاثیر آنها در حزب ما در کتاب تحلیلی از اوضاع حزب که در آذرماه ۱۳۲۶ از طرف هیئت اجرائیه حزب توده ایران منتشر گردیده چنین گفته شده است:

"تا پیش از واقعه آذربایجان سازمان وسیع حزب ما را که نواقص تشکیلاتی آن بخصوص اگر یا یک حزب رشد یافته ای تسخیر شده بود بسیار بود، حوادث شدید سیاسی که با پیروزمندی حزب توده ایران همراه بود کم و بیش به فعالیت هم آهنگی و امید داشت. با آنکه از کنگره اول حزب انتقادات نسبت به دستگاه حزبی آغاز شده بود ولی این انتقاد

دامنهای نداشت. عظمت حوادث و سرعت آن، همه را بخود مشغول کرده بود. دستگاه رهبری در نتیجه اشتغال به حوادث سیاسی تقریباً از مسائل تشکیلاتی دور مانده و امور تشکیلاتی با جریان عادی خود بدون تحول و تکامل ریشه‌ای و اساسی ادامه داشت. روحیات توده‌های حزبی یک پیروزی قریب‌الوقوع را برصد اردوگاه ارتجاعی و استعماری انتظار داشت. رشد نهضت آزادیخواهی و پیدایش جنبش دموکرات آذربایجان مبانی منطقی این انتظار شمرده میشد. اصولاً پیشرفت حزب در محیط امید و موفقیت باعث شده بود که حس موفقیت‌طلبی در غالب اعضاء حزب از حس آمادگی برای فداکاری و سختی قوی‌تر باشد و بدین ترتیب عناصر اپورتونیست و آریویست در صفوف حزب کم نمودند.

برهم خوردن حکومت آذربایجان همراه با برقراری یک ارتجاع سهمگین و هار در ایران، پیروزی موقت سیاست استعماری آمریکا در این سرزمین، حمله شدید و یکنواخت جراید و محافل ارتجاعی به حزب ما، و بخصوص عملی شدن این وضع بوسیله نخست‌وزیری که با حزب ما در ابتدا روی موافقت نشان میداد، ضربت گیج‌کننده‌ای به سازمان حزبی وارد ساخت.

اپورتونیست‌ها و آریویست‌ها گریختند، کارگران تحت فشار سخت واقع شدند و فعالیت عده زیادی از آنها محدود شد، سازمان‌های دهقانی در زیر سرنیزه‌راندازم و تجاوز مالکین کینه‌جو و خشمگین از هم‌پاشید، عده‌ای از فعالین حزبی تحت تعقیب قرار گرفته و متواری گردیدند و یا به زندان افتادند. سازمان‌های حزبی ما در ولایات مورد حمله و هجوم و غارت و وحشیانه‌ای واقع شد و حزب از لحاظ کمیت تنزل کرد. کسانی که باقی ماندند بدون تردید در مقابل این واقعه متحیر شدند و کوشش برای درک علل بحران و شکستی که در نظر اکثریت مطلق، خلاف انتظار بود آغاز شد. مسلم است که در این حالت، افراد کم‌سابقه یک حزب جوان نمی‌توانند با خونسردی، یا مطلق علمی و درست قضاوت کنند و تحت تأثیر خشم خود، یاس خود، ترس خود و بی‌اطلاعی خود نسبت به ماهیت واقعی جریان واقع نشوند. نه فقط اعضاء بلکه دستگاه رهبری نیز از این

وضع مبری نبود و خود را در مقابل حوادثی می‌دید که در باره‌اش اطلاع درستی نداشت و تحلیل دقیق قضایا برایش میسر نبود. عده‌ای از انتقادکنندگان وضع حزب در اثر این حادثه باردیگر آغاز انتقاد شدید را گذاشتند و بنظر آنها دستگاه رهبری بزرگترین مقصر این حوادث نامطلوب بود " ص ۹

در کتاب راه‌حزب توده ایران نیز که در دی‌ماه ۱۳۲۶ انتشار یافته چنین گفته شده‌است :

"وقایع اخیر موجد نحوه خاصی از انتقاد در حزب توده گردید. توضیح آنکه افرادی که جنبه جهانی قضایا را دریافته‌اند علل پیش‌آمد بحران را فقط و فقط در تشکیلات این حزب جستجو کرده، نقایص و عیوب تشکیلاتی را علت اصلی بحران قرار می‌دهند و خشمی را که بر آنها در نتیجه پیش‌آمد بحران عارض شده‌است بر سر تشکیلات می‌ریزند تا بحدی که جنبه مثبت تشکیلات که پیوسته به وجه بارزی غلبه داشته‌است در برابر جنبه‌های منفی که در زیر دره‌بین انتقاد گذاشته می‌شود خیلی حقیر و ناچیز جلوه می‌کند. " ص ۳

۲. تشکیل هیئت اجرائیه و تبلیغات تشنج طلبان - پس از وقایع آذرماه ۱۳۲۵ عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی حزب ما از شرکت در جلسات کمیته بازماندند و بالنتیجه لازم می‌آمد که کسانی به جای آن‌ها برای اداره کارها انتخاب شوند. از طرف دیگر تشنجاتی که به علت وقایع آذرماه در حزب پدید آمده بود دستگاه رهبری را آماج حملات و وسیله‌ای برای تشدید بحران قرار می‌داد. از این جهت کمیته مرکزی با شرکت کلیه اعضای خود تصمیم گرفت که رهبری حزب با تشکیل کنگره به یک هیئت اجرائیه موقت که گزارش عملیات خود را به شورای حزب مرکب از کمیته مرکزی، کمیسیون تفتیش کل و پنج نفر از کمیته ایالتی و تفتیش ایالتی طهران خواهد داد، واگذار شود. این تصمیم عملی گردید و یک هیئت هفت نفری مرکب از سه نفر از اعضای کمیته مرکزی، سه نفر از اعضای کمیسیون تفتیش کل و یک نفر از اعضای کمیته ایالتی طهران انتخاب شدند و شروع به کار کردند.

تشنج طلبان از موقع استفاده کرده تفویض اختیارات کمیته به هیئت اجرائیه را دلیلی بر صدق انتقادات ناروای خویش جلوه داده نتیجه گرفتند که ایس تغییرات در اثر هیاهوی آن‌ها انجام یافته است. به این طریق تبلیغات تشنج طلبان قدرت یافت و از این زمان است که شیوه مرعوب کردن را در پیش گرفتند و ظاهراً از همین زمان است که به نام "اصلاح طلبان" به تدریج متشکل شدند.

گزارش آقای رحمت‌الله جزینی نیز که در حوزه‌های آنان شرکت داشته مؤید این مطلب است. جزینی می‌نویسد (ورقه ۱۲۹):

"قبل از نوروز ۱۳۲۶ در منزل مهندس ناصحی پنج شش بار جلسه تشکیل شد و بالاخره در اول اردیبهشت ماه این جلسات به صورت ده‌نفری دقیق درآمد."

۳. روش هیئت اجرائیه نسبت به "اصلاح طلبان" - هیئت اجرائیه حزب توده، ایران در روش خود نه فقط تشنج طلبان بلکه کلیه اعضای حزب را در نظر می‌گرفت. هیئت اجرائیه می‌دانست که وقایع آذرماه ۱۳۲۵ لطمه بزرگی به افکار عمومی زده و برای بسیاری از اعضای حزب ما نامفهوم مانده است. هیئت اجرائیه می‌دید که تشنج طلبان از این ابهام سوءاستفاده می‌کند و آن را وسیله تهمیج ساده‌دلان قرار می‌دهند. از این جهت هیئت اجرائیه در وهله اول روشن کردن قضایا و جداساختن صحیح از سقیم و بوجود آوردن یک قضاوت منطقی را ضروری می‌دانست. هیئت اجرائیه چنین قضاوت می‌کرد که باید نقش رهبری داشته باشد و اگر کسانی هستند که ندانسته به ایجاد تشنج دامن می‌زنند نباید آن‌ها را رها کرد. هیئت اجرائیه می‌خواست تشنج طلبی معرضان را خود افکار عمومی حزب بتواند قضاوت کند. اگر هیئت اجرائیه پیش از آن که افکار عمومی را روشن گرداند و به منطق خود جلب نماید به اقدامی شدید دست می‌زد بدیهی است که حزب را در معرض خطر قرار داده بود.

۴. انتشار نشریه هفتگی - از این جهت هیئت اجرائیه به تاسیس یک "نشریه هفتگی" که مسائل مبتلابه را مورد بحث قرار دهد اقدام نمود و اولین شماره آن را در تاریخ ۲۳/۱۰/۲۵ انتشار داد. این عمل اصولاً یکی از اقداماتی بود که به رفع ابهام بعضی از مسائل کمک شایانی کرد اما مهاجمه ایدئولوژیک تشنج طلبان در آن هنگام به قدری شدید بود که این نشریه نیز از آثار آن خالی نماند و گاهی مطالبی در آن دیده شد که به هیچ وجه مورد موافقت هیئت اجرائیه نبود (مثال بارز آن در بعضی از عبارات سرمقاله نشریه شماره ۲ دیده می‌شود).

۵. انتشار کتاب حزب توده ایران سردو راه - به تدریج تشنج طلبان که پیوسته در صدد سوءاستفاده از مآشات هیئت اجرائیه بودند، چون عملاً مشاهده کردند که هیئت اجرائیه سنگرهای عوام‌فریبی آن‌ها را یکی پس از دیگری خراب می‌کند، آن‌ها که خود را طرفدار هیئت اجرائیه نشان داده بودند با آن هیئت بنای مخالفت شدید گذاشتند و در فروردین ماه ۱۳۲۶ کتاب حزب توده ایران سر دوراه را با نام مستعار انتشار داده، در آنجا هیئت اجرائیه را مورد انتقاد قرار دادند. یکی از عبارات آن‌ها این است:

"کسانی که در پی اصلاحات بدون فعالیت و مبارزه هستند... گمان می‌کردند دستگاه رهبری جدید بدون هیچ گونه توقف و اشکال تراسی تمام کارها را انجام خواهد داد ولی

درحقیقت این طور نبود و نه تنها هیئت اجرائیه نمی توانست خودبه خود به هیچ کار دست بزند بلکه کوچک ترین اصلاح حزبی نیز مستلزم فعالیت مداوم اصلاح طلبان حزب بود" (ص ۹۸).

هیئت اجرائیه فوراً نظریه شدیدی نسبت به این کتاب اظهارنکرد و تشنج طلبان از این موضوع برای تجری خویش سوءاستفاده نمودند، ولی معدک در نشریه شماره ۱۵ مورخ ۲ اردیبهشت که درایام بیرون آمدن این کتاب انتشار یافته چنین گفته شده است:

"به طور خلاصه، ما عمل انتشار این گونه رسالات را در شرایط کمونی جدا به ضرر تشکیلات حزبی می دانیم و به نویسندگان این کتاب و نظائرش که خود را افراد اصلاح طلب حزب معرفی می کنند یادآوری می کنیم که این عملیات، خواه نخواه به ضرر عملیات اصلاحی مورد ادعای آنان نیز تمام خواهد شد."

۶. تشکیل جلسه فعالین - هیئت اجرائیه برای این که به معالطه ها جواب داده شود و به منظورهائی که ذریلا بیان شد در اردیبهشت ۱۳۲۶ یک جلسه هفتگی از فعالین حزب دائرکرد تا در آنجا مسائل موضوع اختلاف مورد مباحثه و اظهار نظر قرارگیرد. در مقدمه نظامنامه این جلسه چنین گفته شده است (نقل از نشریه شماره ۱۱):

"حزب توده ایران به عنوان پیشروترین و آگاهترین و مترقی ترین حزب کشورما، در این موقع که در اثر حوادث نامساعد با دشواری هائی روبرو شده است موظف است به ماهیت این دشواری ها، منشاء بروز و طریقه رفع آن هائی ببرد. بهترین طریقه ایجاد یک وحدت نظر و یافتن راه حل واقعی آن است که رفقای فعال حزبی، تمام آن کسانی که در امور تشکیلاتی بصیرت و تجربه دارند، در یک بحث و انتقاد عمومی شرکت ورزند و با نظم و ترتیب، یک یک مسائل مورد بحث و اختلاف را بررسی نموده حل کنند. برای این منظور، هیئت اجرائیه موقت حزب توده ایران جلسات هفتگی عمومی فعالین حزبی را تشکیل می دهد. . ."

تشنج طلبان خواستند از این جلسات سوءاستفاده کنند و درباره طررمباحثه آن هاست که در کتاب تجلیلی از اوضاع حزب گفته شده است:

"آن ها قضایا را ساده می کنند - آن ها تمام نواقص کار را تقصیر افراد معینی می دانند - به مصالح سیاسی نهضت توجه کافی نمی کنند - در انتقاد شیوه تبلیغی و تهییجی

دارند- "منزه طلب" و "انتزاعی هستند" - گوئی به برتری
انتقاد بر عمل معتقداند- " (ص ۱۵ و ص ۱۶) .

باید گفت که در این جلسات بیش از اندازه لازم یا تشنج طلبان مدارا شد و آن‌ها در تخریب خویش سوءاستفاده کردند ولی رویهم رفته نتیجه‌ای که از این جلسات گرفته می‌شد به قدری مثبت بود که آنان را روزبه روز به شکست معنوی نزدیک‌تر می‌گردانید. استعفای دکتر ابریم از جلسه فعالین در تاریخ ۱۳۲۶/۴/۷ نیز در حقیقت به قصد گریز از این شکست انجام گرفت. او در استعفانامه خویش (ورقه ۱۳) می‌نویسد:

"تنها علت امتناع از شرکت در جلسات این است که تشخیص
دادم (صحیح با غلط) در موقعیت کنونی صلاح است فعالیت
های بنده در پایشین‌های حزب یعنی بین "افراد" و حوزه‌ها
انجام پذیرد، نه در کنفرانس‌ها و جلسات بالا".

او صلاح خود را خوب تشخیص داده بود زیرا که شرکت در جلسات عمومی که
جواب‌گویی در آنجا وجود داشتند دیگر به صرفه او تمام نمی‌شد.

۷. کنفرانس ایالتی طهران - در تیرماه تشکیل شد و تشنج طلبان از این
کنفرانس نیرو گرفتند: یکی به علت این که کمیته سابق طهران واقعا دارای
نقایص قابل انتقادی بود که تشنج طلبان با بزرگ کردن آن نقطه‌های ضعف
برای منظورهای خود استفاده کامل بردند. دیگری علت این که هیئت اجرائیه
حزب توده ایران هنوز از اصلاح این دسته ناامید نبود و می‌خواست به آن‌ها
نشان بدهد که هیچ نظر خصوصی اعمال نمی‌گردد، بلکه به آن‌ها میدان داده
می‌شود که اگر واقعا نظریات اصلاحی دارند به عمل در آورند، البته تلاش‌های
خلیل ملکی در هیئت اجرائیه نیز در اندازه این مماشات تاثیر داشت و هیئت
اجرائیه که پیوسته با خلیل ملکی گرفتار کشمکش و اختلاف نظر بود به منظور حفظ
وحدت حزب حتی المقدور می‌خواست او را نگاه دارد و از این جهت بیش از
اندازه لزوم با تشنج طلبان مدارا می‌کرد. نتیجه این شد که اکثریت کمیته
ایالتی طهران از افرادی تشکیل گردید که بعدا در جزو انشعابون شدند. ۱۷
نفر از نمایندگان کنکره نیز در شمار همین گونه افراد بودند. موقعیتی که در
کنفرانس طهران به دست تشنج طلبان آمد آن‌ها را سرمست گردانید که در همان
جلسات کنفرانس روش خشن و غیرقابل تحمل و تهدید آمیزی در پیش گرفتند
و نشان دادند که آنان لایق مماشات و مدارا نیستند و نه فقط خیال اصلاح خود
را ندارند، بلکه از هر پیشرفتی برای مقاصد غیر حزبی استفاده خواهند کرد.
کنفرانس ایالتی طهران هیئت اجرائیه را تکانی داد و او را بر آن داشت که از
خرابکاری‌هایی که روز به روز منظم‌تر می‌شد و به صورت فرمول‌های تشکیلاتی
درمی‌آمد با تصمیمات قاطع جلوگیری کند.

۸. گزارش کمیته گیلان - همان‌طور که در قسمت مربوط به فراکسیون‌نیم ذکر

شده است در شهریورماه ۱۳۲۶ آل احمد عضو کمیته، ایالتی طهران به عنوان گردش مسافرتی به نواحی شمال نمود و ملاقات‌هایی کرد. از گیلان گزارش رسید که آل احمد در جلسه کمیته حاضر شده و علاوه بر این که از بعضی از مسئولین سابق بدگویی‌هایی کرده از "اصلاح طلبان" سخن گفته و اظهار داشته است که در جزو نمایندگان کنگره "به طوری که حساب شده در حدود بیست و چند نفر هم فکر دارای افکار جدید از طبقه جوان در میان این عده می‌توان یافت." و توصیه کرده است که کمیته، ایالتی به هیئت اجرائیه فشار وارد آورده او را وادار به تشکیل کنگراس محلی رشت نماید. از طرف کمیته مذکور هم شرحی به همین مضمون به هیئت اجرائیه نوشته شد. هیئت اجرائیه در صدد رسیدگی جدی به این عمل که جنبه آشکار دسته‌بندی داشت برآمد و سه نفر: دکتر رادمش، نوشین و قاسمی را مسئول رسیدگی گردانید. آل احمد در جواب‌های خود منکر حمله بالا و نظائر آن نشد، ولی در مورد این که عده مذکور را چگونه حساب کرده است حاضر نشد توضیحاتی بدهد و با آن که سئوالات کمیسیون شفاهی انجام گرفت مشارالیه برای مرعوب ساختن هیئت اجرائیه عصیانیت زیادی از خود نشان داد و شدیداً به این که مورد بازخواست قرار گرفته است اعتراض کرد.

۹. تشکیل کمیسیون رسیدگی به کار "اصلاح طلبان" - پس از آن که نظریه کمیسیون در مورد عمل آل احمد در هیئت اجرائیه مطرح شد چون گزارش‌های دیگری نیز از گوشه و کنار راجع به دسته‌بندی این افراد رسیده بود هیئت اجرائیه رسیدگی دقیق را لازم دانست و در شهریورماه ۱۳۲۶ یک هیئت سه نفری مرکب از دکتر رادمش، احسان طبری و احمد قاسمی برای رسیدگی به کار "اصلاح طلبان" تعیین نمود.

اولین کسی که اطلاعات نسبتاً وسیعی در اختیار کمیسیون گذاشت (۱۳۲۶/۶/۲۹ - ورقه‌های از ۲۵ تا ۳۱) احمد منزوی بود که بعداً مورد تقدیر هیئت اجرائیه قرار گرفت. بر مبنای گزارش‌های شفاهی و سپس کتبی او در تاریخ ۲۶/۶/۱۸ از غفور رحیمی در مورد مطبوعات "اصلاح طلبان" (ورقه‌های ۲۱ و ۲۲) اطلاعاتی خواسته شد و در تاریخ ۲۶/۷/۲ از محمدعلی خنجی (ورقه‌های ۳۵ تا ۳۸) تحقیقات به عمل آمد و قسمتی از عملیات دسته‌بندی کاملاً فاش شد.

۱۰. عکس العمل ملکی در هیئت اجرائیه - این دنباله‌گیری‌های هیئت اجرائیه تشجیح طلبان را سخت به وحشت انداخت و تصمیم گرفتند که به هر وسیله‌ای که ممکن شود از کار کمیسیون رسیدگی جلوگیری نمایند و برای این کار روش تهدید و ارعاب را در پیش گرفتند و خلیل ملکی در هیئت اجرائیه زبان آن‌ها بود. در جلسه روز سه شنبه ۱۱ مهرماه هیئت اجرائیه، در حضور اعضای کمیته، ایالتی و تفهیش طهران، خلیل ملکی که می‌خواست نظریات غیر حزبی تشجیح طلبان را که در کمیته، ایالتی نیز اکثریت داشتند به هیئت اجرائیه بقبولاند و هیئت اجرائیه را از اعتبار بیندازد پس از آن که نوبتاتی به هیئت

اجرائیه روا داشت به اعراض از جلسه خارج شده گفت "من در جلسه" هیئت اجرائیه چهارمقر حقه‌ها را نشان خواهم داد" و بعدا نامهای به هیئت اجرائیه نوشته ارضویت آن هیئت کاره‌گیری و درخواست نمود که جلسه‌ای از اعدای که خود اوتعمین می‌کرد تشکیل داده اظهاراتش را بشنوند. هیئت اجرائیه که اولین هدفش حفظ وحدت و اتمام حجت بود این پیشنهاد را بپذیرفت و در روز جمعه ۱۷ مهرماه جلسه مدکور باحضور: مفراطی، دکتر رادمنش، دکتر کشاورز و قاسمی تشکیل گردید. ملکی اظهاراتی نمود که تدویسی شد و سپس به او برای تصحیح گفتار خودش داده شد و اظهارات او که به خط خودش تصحیح شده موجود می‌باشد (ورقه‌های ۳۹ تا ۴۶). ملکی در آغاز اظهارات خود گفت: "مصمم هستم از رهبری حزب کاره‌گیری نمایم" و سپس شروع به اظهار مطالبی کرد که هدف آن‌ها فقط و فقط برهم زدن وحدت دستگاه رهبری بود. به خوبی حس می‌شد که ملکی از رسیدگی به کار تسخیر طلبان و روشن شدن وضع آن‌ها راضی نیست و چون هیئت اجرائیه در اثر ایجاد خطر تجزیه، حزب پیش از هر زمان به وحدت گرائیده و درحقیق این دست‌بندی یک دل و یک جهت شده است، ملکی با تمام قوا می‌کوشد این وحدت را به وسیله عقبتن و سخن چینی برهم بزند. من باب مثال چنین گفت:

"خبری که مرا موچه کرد روش دکتر کیابوری بود. در حضور دکتر بهرامی، طبری و یکی دوفرد دیگر و من (ملکی) دکتر کیابوری گفت که دکتر بردی و دکتر کشاورز جاسوس طبقه، حاکمه هستند..."

.....

بالاخره چون در این اظهارات به اعضای هیئت اجرائیه نسبت‌هایی از این قبیل داده شده و برای جلوگیری از دست‌بندی "اصلاح طلبان" به بعضی از اعضای هیئت اجرائیه نسبت دست‌بندی داده شده بود بنا به تقاضای طبری و کیابوری (ورقه‌های ۴۷ تا ۶۳) هیئت اجرائیه لازم دید که نظریه خویش را برای تاریخ حزب صریحا درباره عمل ملکی اظهار دارد. مثنها هیئت اجرائیه برای این که خلیل ملکی را در عملیات خود عنودتر نگرداند این نظریه را در آن روز علمی ساخت. اینک من نظریه هیئت اجرائیه مورخ ۱۳۲۶/۷/۲۲ (ورقه ۶۴ و ۶۵) که در صورت جلسات آن هیئت نیز منعکس است:

"در مورد نمایانی که پس از حوادث اخیر در حزب توده ایران پیش آمده و منجر به انتشار دو کتاب حزب توده ایران سر دوزخ - چه باید کرد؟ و اتحاد بعضی روش‌های تند و نایحه و احیانا منحرف گردیده است آقای خلیل ملکی دبعلاقه هستند، و چون هیئت اجرائیه حزب توده"

ایران از چندی به این طرف متفقا و جدا به رسیدگی این جریان و اتخاذ تصمیم قطعی درباره آن شروع کرده این موضوع مورد قبول آقای ملکی واقع نشده است. هیئت اجرائیه حزب توده، ایران چنین تشخیص می دهد که منظور اصلی آقای ملکی از این انتسابات یکی این است که در وحدت نظر هیئت اجرائیه در این مورد، ایجاد شکافی بنماید و بعضی را بر علیه بعضی دیگر به سوء ظن وادارد، علی الخصوص که در مورد بعضی از اظهارات که آقای ملکی ادعا کرده اند با حضور چند تن از رفقای هیئت اجرائیه به عمل آمده است افراد مذکور به کلی این چنین اظهارات را تکذیب نموده و با عکس آن را شهادت داده اند. و دیگر این که با این انتسابات می خواهد فراكسیونسم را در حزب ما یک امر ساده و با سابقه جلوه دهد. و افرادی را که تمایل به فراكسیونسم دارند و در این راه آزمایش می کنند تیرئه نماید. اصولا در این موقع که دستگاه رهبری حزب توده ایران به وحدت کامل احتیاج دارد عنوان کردن موضوعات بی اساسی که موجب تشتت و نگرانی است مجوز حزبی و تشکیلاتی نمی تواند داشته باشد. با در نظر گرفتن این که این طرز گزارش در موقعیت کنونی در حقیقت کمکی به بعضی از جریانات غلط حزبی و مانعی برای جلوگیری آن ها محسوب می شود گزارش آقای خلیل ملکی در حکم پرووکاسیون به شمار می آید.

۱۱. قضاوت قطعی هیئت اجرائیه - رسیدگی کمیسیون ادامه داشت. از دکتر ایریم نیز در تاریخ ۲۶/۸/۵ (ورقه های ۷۸ تا ۸۳) و در تاریخ ۲۶/۸/۹ (ورقه های ۸۶ تا ۹۱) و در تاریخ ۲۶/۸/۱۹ (ورقه های ۹۲ تا ۱۰۰) تحقیقات به عمل آمد و هیئت اجرائیه در اثر مجموعه این معلومات توانست تصمیم قطعی اظهار کند. مقارن این احوال مقالاتی در شماره های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ نشریه هفتگی به ظهور رسید که بعدها انشعاییون نگارش آن ها را "نقطه انعطافی در سیاست هیئت اجرائیه" محسوب داشتند (کتاب دو روش و یک هدف، ص ۳۳).

کتاب در راه یک انحراف در اوایل آبان ماه، کتاب تحلیلی از اوضاع حزب در اوایل آذرماه، کتاب راه حزب توده ایران در اوایل دی ماه منتشر شد. در این کتاب ها نظریات تشنج طلبان و روش آن ها با دقت کافی مورد بحث قرار گرفته و پرده از روی قضایا برداشته شده است. مخصوصا هسته انحرافات ایدئولوژیک این گروه با بیانی روشن و مستدل هویدا می گردد. از این جهت انتشار کتاب های

مدکور شکست‌های بیابانی بر تشنج طلبان وارد آورد و آن‌ها را وادار ساخت که به حرکات بیخودانه و دیوانه‌وار دست بزنند. خلیل ملکی که رسماً در نامه خویش اظهار کرده بود که پس از استعفاء از هیئت رهبری از فعالیت‌های غیر مطبوعاتی کناره‌گیری خواهد نمود در جلسات بحث و استقاده حاضر و آخرین بقایای حیثیت خود را برای ایجاد تشنج به کار برد، ولی اوضاع تفاوت کرده و قیافه جلسه بحث و استقاده دگرگون شده بود و روی خوش به تشنج طلبان نشان نمی‌داد. آن‌ها کوشش می‌کردند پیش از آن‌که باقی مانده، اعتبار خود را اردست بدهند کنگره حزب تشکیل شود تا اگر در آنجا غیر موفقیتی نداشته باشند به یک تحزیه مهم دست بزنند. اما در جلسه‌ای که از نمایندگان کنگره حاضر در طهران تشکیل شد پس از گزارش هیئت اجرائیه نظر به اوضاع سیاسی روز و عوامل دیگر تقریباً به اتفاق آراء به تاخیر کنگره رای داده شد و فقط دو نفر (خامه‌ای و دیوتلی) با این تصمیم مخالف کردند.

۱۳. خیانت انشعاب - این است که تشنج طلبان گذشت زمان را که روز به روز به روشن شدن افکار عمومی بیشتر کمک می‌کرد به صلاح خود ندانسته به ناچار آخرین راه خیانت را در پیش گرفتند و در یکی از دشوارترین موقع‌ها و در هنگامی که دشمن از هر طرف به ماحمله آور بود ارداخل به ما خنجر زدند و عمل انشعاب را انجام دادند. اولین اعلامیه انشعاب در روزیکشنبه ۲۶/۱۱/۱۳ به شرح ذیل منتشر گردید:

یکشنبه سیزدهم دی‌ماه ۱۳۲۶ انشعاب در حزب توده ایران

اکثریت کمیه ایالتی حزب توده ایران در طهران و عده‌ای از مسئولین حزبی به طور دسته‌جمعی از حزب منشعب شده فعالیت اجتماعی خود را به نام "جمعیت سوسیالیست توده ایران" به خاطر همان هدف‌های ملی و مترقی و جهانی ادامه می‌دهند و سایر رفقای حزبی را که به اصلاحات و سایر روش‌های صحیح حزبی علاقه‌مند هستند به همکاری دعوت می‌نمایند.

علل این انشعاب و مشحصات جریان نوین "جمعیت سوسیالیست توده ایران" در اعلامیه جداگانه به طور مشروح برای عموم آزادی‌خواهان و در نشریه مخصوص برای اعضا حزب توده ایران منتشر گردید*.

* این اعلامیه را خلیل ملکی، انور خامه‌ای، حسین ملک، جلال آل احمد و عده‌ای دیگر امضا کرده بودند.

هیئت اجرائیه حزب توده ایران اولین اعلامیه خود را درباره انشعاب
درفردای آن روز منتشر ساخت. اینک متن اعلامیه: (نقل از شماره ۲۴۲ روزنامه
مردم ۱۴/۱۰/۱۳۲۶)

رفقای حزبی

دیشب در اخطاریه‌ای از طرف دوازده تن از اعضا حزب توده ایران اعلام شده
است که انشعابی در حزب توده ایران شده و جمعیتی به نام "جمعیت سوسیالیست
توده ایران" تشکیل گردیده است. هیئت اجرائیه نمی‌تواند از ابراز تعجب و
تأسف در مقابل این عمل، عملی که مستقیماً شادمان‌کننده دشمنان ملت ایران
است، خودداری ورزد. حزب مادر مدت شش سال مبارزه خود بر ضد نیروهای متحد
استعمار و ارتجاع سنت گرانها و مقدسی به دست آورده و پرچم پرافتخارش
همیشه زحمتکشان ایران را برای پیکار به منظور نجات ملت و میهن عزیز ما الهام
داده است.

حزب مادر عرض شش سال گذشته فداکاری‌ها کرده و در مکتب خود قهرمانانی
پرورش داده و پیوسته بی‌ترغزل در پیشاپیش صحنه نبرد اجتماعی پیکار نموده
و مصائب گرانی را متحمل شده است. حزب ما از بحران‌های سخت با سربلندی
در خور تحسینی بیرون آمده و استحکام و اتحاد آن مایه غیبه و رشک دشمنان
آزادی بوده است.

اینک در شرایطی که تمام ملت ایران به این حزب چشم دوخته و خواستار
آن است که از مبارزان حزب وحدت و صمیمیت ببیند و آن‌ها را در راه پیکار
گرم‌روتر مشاهده کند، می‌بیند که چندتن از پرورش یافتگان دامن حزب، کسانی
که تمام شخصیت خود را مدیون حزبند، کسانی که اگر برای آن‌ها مقامی بود
برای آن بود که خود را خدمتگزار حزب نشان می‌دادند، در ساعتی که دشمن
با نگاه خشم و کینه به سازمان ما می‌نگرد دست به عملی زدند که نه تنها تمام
اعضا حزب آن را تفتیح می‌کنند بلکه توده ملت ایران نیز بدان بانظرملاط
می‌نگرد.

رفقای حزبی

هیئت اجرائیه حزب توده ایران پیوسته کوشیده بود تا در مقابل افرادی که
حتی از حدود انضباط و مقررات سازمانی تجاوز می‌کردند روش نزاکت و اغماض
در پیش گیرد و به کلیه کسانی که در اشتباه هستند فرصت دهد تا آنان به
اشتباهات خود پی ببرند.

هیئت اجرائیه برخلاف مشتکی انتشارات بی‌اساس هرگز نمی‌خواست روش
خشن و شدید در مقابل اشتباه‌کارانی که با وجود تذکرات مکرر، اشتباه خود را
تکرار می‌کردند اتخاذ کند. هیئت اجرائیه عملاً نشان داده بود که در راه حفظ

وحدت حزب و رعایت اصول از این که در معرض خرده‌گیری‌های گوناگون قرارگیرد
ماکی نداشت.

هیئت اجرائیه قصد نداشت و ندارد این روش را که به نظر او منطقی و
متناسب با احوال کنونی اجتماع ماست ترک کند. با توجه به این روش عادلانه
و عاقلانه ناپسندی عمل کسانی که از حزب بیرون رفته‌اند آشکارتر می‌گردد.
رفقای حزبی

ما همگی در زیرپرچم مقدسی که مدت شش سال به علامت مبارزه زحمتکشان
و روشنفکران ایران در راه حقوق ملت ایران برافراشته شده فشرده‌تر از همیشه
باقی و به سن مقدس حزبی وفادار خواهیم ماند.

.....
هیئت اجرائیه در همان روز (۲ شنبه ۱۴/۱۰/۲۶) جلسه فعالین را تشکیل
داده گزارش انتصاب را به شرح ذیل به اطلاع رفقا رسانید (نقل از شماره ۲۴۴
رورنامه مردم):
رفقای عزیز

دیروز غالب ما شاهد صحنه ناآرامی بودیم. چندتن از کسانی که تا
دیروز خود را رفیق و همراه ما می‌خواندند، برای موهون ساختن حزب ما، در
خیابان‌های مرکزی تهران راجع به انتصاب حزب فریاد می‌کشیدند و چنان‌که
معلوم است در این زمینه اعلامیه‌ای منتشر ساختند. این‌ها این عمل خود را
بدون کوچک‌ترین احتیاط قبلی به هیئت اجرائیه انجام دادند. کسانی در این
عمل شرکت حسند که پیوسته هیئت اجرائیه با آنان در نهایت حرمت و تقدیر
رفتار کرده و بیش از آنچه که شایسته آن بودند، (چنان‌که عمل امروزشان نشان
می‌دهد) برای آنان ارزش قائل بود، این عمل چنان‌که توضیح خواهیم داد
بدون کوچک‌ترین علت معقولی انجام گرفته است. تنها نتیجه مستقیم این
عمل (سرچشمه‌های آن هر چه می‌خواهد باشد) آن است که قوای ارتجاع و
امپریالیسم را راضی و خرسند خواهد ساخت. تنها نتیجه مستقیم این عمل
سعی در ایراد شکست در حیثیت حزب ماست. این عمل وجدان اجتماعی هر
فرد حزبی و هر آزادی‌خواه با ایمان ایرانی را جریحه‌دار می‌کند و او را به
شدت برآشفته و متاثر می‌سازد.
این آقایان که از مدتی پیش در تهیه این اقدام بوده‌اند، حتی خواستند
علل اقدام خود را بیان کنند.

رفقای حزبی بدانند که هیئت اجرائیه طی نامه رسمی یک‌ماه پیش از این
اشخاص و رفقای دیگر منتخب دومین کنفرانس ایالتی تهران خواهش کرد که
تزها و نظریات خود را بنویسند و نقشه‌های اصلاحی خود را به طور مشخص
بگویند. آن‌ها کوچک‌ترین پاسخی به این نامه هیئت اجرائیه ندادند.
هیئت اجرائیه همین دیروز صبح اعلامیه‌ای به مناسبت فعالیت یک‌ساله
خود صادر کرد که ایک از نشر آن پس از مواجهه با این حادثه صرف نظر شد و

در آن رفقای حزبی را به وحدت و صمیمیت فراخواند. آن موقع که هیئت اجرائیه خوش بینانه در پی جلب وحدت و صمیمیت بود، این آقایان که از پیش همه چیز را آماده و فراهم ساخته بودند نقشه تجزیه را می کشیدند. آن ها مدتی بود که راجع به این مسئله تبلیغ می کردند. با تمام وسائل ذهن رفقای حزبی را تاریک می ساختند. انتشار می دادند که گویا هیئت اجرائیه هرگز قصد آن را ندارد کنگره حزب را تشکیل دهد، گویا هیئت اجرائیه قصد آن را ندارد که نواقص عناصر و معایب گذشته را مورد انتقاد قرار دهد! گویا هیئت اجرائیه می خواهد عناصر انتقادکننده را مورد کيفرهای شدید قرار دهد! و حتی برخلاف جوانمردی و شرافت ادعا کردند که هیئت اجرائیه یک سیاهه ۲۵۰ نفری از افراد تهیه کرده است تا آن ها را بیرون بریزد!! آن ها به شیوه تفتین از قول رفقای هیئت اجرائیه حرف ها ساختند یا حرف های کوچکی را بزرگ کرده و با تمام قوا در حزب مکرر می نمودند. صدها بار تاکید رفقای هیئت اجرائیه به فرد فرد این اشخاص که جز همکاری و صمیمیت نظری در بین نیست و امکان ندارد که رفقای هیئت اجرائیه بخواهند راه خصومت پیمایند در آن ها تاثیر نمی کرد، چون نمی خواستند تاثیر کند، نمی خواستند راه دوستی و صمیمیت طی کنند. ایجاد یک محیط محبت آمیز برای نقشه اشعاعی آن ها مضر بود، لازم بود محیط نفاق بی باشد تا انشعاب در آن معقول به نظر رسد.

آن ها انشعاب می کنند، حزب را می خواهند تجزیه کنند، چرا؟ چه موقع در یک حزب انشعاب باید رخ دهد. آن موقع که احزاب از طریق اصولی خود منحرف شده و در جاده های ایورتونیسیم افتاده، آن موقع که اختلاف نظرهای اصولی در حزب پدید آمده است و هیچ گونه امیدی به اصلاح آن حزب نیست. آیا در حزب ما چنین وضعی حکم فرماست، آیا دستگاه رهبری حزب ما خیاستی کرده و یا افراد دستگاه رهبری آن چنان عناصری هستند که همکاری با آن ها امکان پذیر نیست؟

آیا حزب ما که پرچم دار یک مبارزه مقدسی در ایران بوده است باید در سر کوچه و بازار بدین نحو با جوانمردانه مورد توهین قرار گیرد؟ رفقای حزبی بدانند که برخلاف دعاوی کاملاً بوج این آقایان که گویا هیئت اجرائیه با آن ها مدارا نکرده است، این هیئت مدارا را از حد گذرانده بود. شما فراموش نکردید که چندتن از آن ها که امروز با لحن خاصی ست های حزبی خود را به رخ می کشند کاندید هیئت اجرائیه برای سازمان ایالتی تهران و کنگره بودند و همیشه به آن ها میدان داده شد.

برخلاف دعوی آن ها درباره وقت تشکیل کنگره، ما در اعلامیه دیروزی که به مساست فعالیت یک ساله هیئت اجرائیه صادر شده بود وقت حتمی تشکیل کنگره را در فروردین ۱۳۲۷ تعیین کرده بودیم.

تمام این ها این آقایان را راضی نمی کرد. آن ها یک چیزی خواستند: تسلیم

مطلق، قبول حاکمیت مطلق آن‌ها در حزب ولی هیئت اجراییه نمی‌توانست و دلیل نداشت که به این تسلیم مطلق تن دردهند. آن‌ها در داخل حزب کتاب بدون اجازه منتشر کردند، افکار غلط تشریح کردند، تشنج شدید را موجب شدند، کار حزب را فلج نمودند، دست‌مندی کردند، فراکسیون‌های مخفی منظم داشتند، در سیاه کردن شخصیت بهترین رفقای ما کوشیدند ولی ما هنوز برای آن که فرصت اصلاح خود را داشته باشیم به آن‌ها میدان می‌دادیم. ما به سبب این روش مدارا و رفاقت مورد شماتت شدید و گاهی بجای عده، زیادی از رفقای حزبی قرار داشتیم. ولی اگر می‌فهمیدیم که راه‌های غلطی طی می‌شود نمی‌توانستیم تسلیم شویم. آیا عمل این آقایان امروزشان نمی‌دهد که ما حق داشتیم از روش‌های این افراد بی‌بناک باشیم؟

ریشه‌های این انشعاب از خیلی پیش به وسیله این آقایان فراهم شده بود. جلسات مخفی مرتب، حملات دسته‌جمعی از روی نقشه، انتشار شعارهای یکسواخت، مقدمات این انشعاب بود. هدف این بود که با پخش انواع اخبار دروغ و عوام‌فریبی‌ها حتی المقدور توده بیشتری را همراه بکشند. هدف این بود که حزب ما را دچار تفرقه، جدی سازند، ولی عمل آن‌ها سقط شد و حزب ما استحکام خود را در مقابل این تبلیغات نشان داد و مبلغین را ساخت و امروز باعث فخرماست که عده انشعاب‌کنندگان انگشت شمارند.

و حتی می‌توان اطمینان داشت که آن روز در خواهد رسید که فریب‌خوردگان، شاه‌راه مقدس خود را ترک گفتند نادم خواهند شد، آن‌ها در صورتی که در این جاده غلط بیش از این پیش نروند هنوز فرصت خواهند داشت خطای خود را جبران کنند.

لازم است به تبلیغاتی که این آقایان کرده‌اند و هنوز هم می‌کنند (و آن‌طور که یکی از مرتکبین انشعاب اخیراً گفتند تا دو ماه دیگر به طور شدیدی ادامه خواهند داد!!) توجه کنیم:

آن‌ها چنین وانمود می‌کنند که تنها افراد صالح حزب بودند و نظریات صحیح اصلاحی خاص آن‌هاست. فرمول‌های این نظریات صحیح اصلاحی هر چه باشد، خلاصه، چیزی جز این نبود که باید راه‌مفود و استحقاق آن‌ها در دستگاه رهبری حزب باز باشد. با آن که هیئت اجراییه و حزب به طور کلی این راه را در مقابل افراد شایسته هرگز سد نکرده ولی دلیلی نداشت که به دعاوی "اصلاح-ظلمی" این مدعیان چشم‌پسته و دربست تسلیم شود و حزب را از جهت دیگری دچار ضعف و تفرقه کند.

این بر ما آشکار است که در حزب رفقائی هستند که از بزرگ‌ترین و بانفوی‌ترین افراد این کشورند. آن‌ها نیز به حزب، به گذشته و حال آن ایراداتی دارند و انتقاداتی می‌کنند، ولی چه شد که هرگز کسی نعره "آن‌ها را تشدید" چه شد که هرگز آن‌ها نخواهند از طریق دسته‌های مخفی و روش‌های تهییج‌آمیز

راه خود را به سوی رهبری بکشایند. درحرب ما هرگز برعناصری که شرافتمندانه مبارزه کرده‌اند راه بسته نبود.

اکنون در ردیف اعضا هیئت اجرائیه کسانی هستند که تنها ملاک رسیدن آن‌ها به این مقام کار و سايستگي آن‌ها بود. شاید بتوان با توسل به سقسطه در همه چیز، همه حقایق را ناچندی پایمال کرد ولی یک فرد حقیقت‌بین حزبی نمی‌تواند نفهمد که حزب ما هرگز مسلخ استعدادها و مرکز اختناق شخصیت‌ها نبود.

هیئت اجرائیه بخصوص باطر باز و آغوش گشاده، فعالیت جوانان را پذیرفته و به آن‌ها میدان داده است.

اصلاح طلبان واقعی حزب آن افرادی هستند که کار آن‌ها بیش از حرف آن‌ها بود. نه آن اشخاصی که حتی کسی رنگ آن‌ها را در این اواخر درحرب نمی‌دید و ناگهان با انبانی انباشته از اعتراضات از مطلع انشعاب طلوع کرده‌اند و سمت‌های حزبی خود را که هرگز دلیل فعالیت آن‌ها نیست مانند مدال‌های یک فرمانده یارباشته و واژه از زیر اسم خود می‌آورند!! برای ما بهترین برنامه اصلاحی در شرایط کوتاهی دردرجه اول کار و صمیمیت است. حزب ما نشنه این دوچیز است. برای ما بهترین برنامه اصلاحی نگاهداری این هسته مبارزه ملت ایران و بالابردن حیثیت آن است.

حرب ما باید درداخل خود تکامل یابد نه آن که هر روز قسمتی از آن را به بهانه اصلاح مترع کند و "تاکتیک مترقی" خود را به رخ ما بکشد.

آن‌ها چنین وانمود می‌کنند که هیئت اجرائیه نمی‌خواست تشکیل دهد و حتی یکی از آنان اخیرا دریک جلسه عمومی گفت "تا ده سال دیگر کنگره تشکیل نخواهد شد" این درست یک شیوه ناپسند هوکردن است. خود این آقایان درجلسه مشورتی که درآن تصمیم به تعویق کنگره تا اول سال ۱۳۲۷ گرفته شد شرکت داشتند و آن را به اتفاق آراء تصویب کردند. آخر افراد هیئت اجرائیه چه نفع شخصی از این کاربردعده و اضطراب، پرمسئولیت و سنگین خواهند برد که بخواهند آن را بدون اقتصای اجتماعی و علی‌رغم آراء عمومی ادامه دهند؟ حوادث آینده به نحو درخشان‌تری و بیش از پیش نشان خواهد داد که هیئت اجرائیه دراین کار کوچک‌ترین نظری نداشت و ندارد. حوادث آینده نشان خواهد داد که هیئت اجرائیه و آن کسانی که هیئت اجرائیه را مورد تجاوزات شدید و ناجوانمردانه خود قرارمی‌دهند کدام محقند. عمل انشعاب قسمتی ازبرده‌ها را بالاورد. باید منتظر شد و دید اگر هربرده بالاورده شود چه چیزها بروز خواهد کرد. بسیارشوم است که روزی ما شاهد چنین صحنه رقبت‌انگیری باشیم.

کنگره حزبی درفروردین ۱۳۲۷ تشکیل خواهد شد و درآن کنگره اگر این آقایان که به زیر سایه نامیون انشعاب پناهنده شدند حضور داشتند عملا

می دیدند که تصورات آن‌ها تاچه اندازه اوهام باطل و تخیلات دیوانه‌وار بود. دیری نخواهد گذشت که شهسواران ادعا و خیال، باطل بودن تمام نقشه‌های خود را علنا خواهند دید.

هنگامی که درجهان امپریالیسم وارد وحشیانه‌ترین مراحل مبارزه خود با آزادی شده، زمانی که صفوف سازمان‌های دموکراسی درجهان دم‌به‌دم به هم فشرده‌تر می‌شود، هنگامی که ما درایران به اتحاد بازهم بیشتر عناصر آزادیخواه احتیاج داریم، این انشعاب رخ می‌دهد. درکشورهای دیگر حتی اجزایی که با یکدیگر تفاوت نظرهای اصولی دارند در راه یک مبارزه عمومی قدم برمی‌دارند ولی این آقایان مدعی اصلاح نخواستند با رفقیان چندین ساله خود دربرتو اصول مشترک زندگی کنند. خودیسنده، جاه‌طلبی، نوهومات غلط، بی‌اعتنائی آن‌ها به مصالح اجتماعی توده ایران، آن‌ها را درسراشویی انداخت که تنها باید دعا کرد به قعر آن سراشیب نرسند. عمل آن‌ها با آن‌که ما را متأسف ساخت ولی مایوس یا دلزده نمی‌کند.

هیجان احساسات رفقای حزبی درعرض دیشب و امروز نشان می‌دهد که این قبیل حوادث مقوی حزب ماست نه ناتوان‌کننده آن. (کف‌زدن‌های شورانگیز و ممتد)

از این انشعاب کنندگان آن‌هایی که وجدان اجتماعی دارند، روزی باندامت و امید از راه رفته بازخواهند گشت. حزب درهرصورت برای کسانی که بخواهند اصلاح شوند، مریی مهربانی است و خطاهائی را که زود جبران شود، خواهد بخشید. ولی از آن‌ها کسانی سیز دراین کوره راه غلط‌گم خواهند گشت.

رفقا! سخن خود را کوتاه کنیم. حزب مایاید چندان از این فراز و نشیب‌ها بپسند تا آبدیده شود. حزب ما از نام‌ها و نشان‌ها مستغنی است زیرا خودموجد نام‌ها و مقام‌هاست (کف‌زدن‌های شورانگیز و هورای ممتد) یگدارچندتن سیز به صفوف ما دریک زمان دشوار پشت کنند.

این کار درمبارزه دلیرانه ما فتوری ایجاد نخواهد کرد. (کف‌زدن‌ها- فریادهای زنده باحزب توده ایران).

* * *

درهمان روز انشعایون اعلامیه دیگری که مطالب آن را بعدها درکتاب دو روش و یک هدف تکرار نمودند و ازطرف هیئت اجرائیه مورد تحلیل قرارگرفت انتشاردادند.

هیئت اجرائیه درمورد انشعاب روش همیشگی خود را مبنی بردادن فرصت اصلاح به افراد آن تعقیب کرد و به موجب یک قرار که ذیلا نقل می‌شود (از شماره ۲۴۶ روزنامه مردم) به انشعایون فرصت داد که اگر ذره‌ای وجدان حزبی در آن‌ها باقی است ازخیانت برگردند:

(۱) این اقدام که منجر به ایجاد تفرقه خصمانه‌ای در بین عناصر مترقی می‌شود به موفقیت امیرالایسم و ارتجاع در مبارزه با جبهه آزادیخواهان کمک می‌کند و مایه بروز دشمنی خطرناکی شده و وقت گرانبهایی را که باید صرف کوفتن دشمنان ملت شود ضایع می‌گرداند، این هدفی است که ارتجاع و امیرالایسم برای وصول به آن حاضر به هرگونه تشبیهی بودند.

(۲) عمل انشعاب و تاکتیک مسبین آن نشان می‌دهد که از همان آغاز هدف آن در مرحله اول مبارزه با حزب توده، ایران و اعضا، آن در زیر عنوان "اصلاح" و "تاکتیک مترقی" است و بزرگترین لطمه‌ایست که از داخل به جبهه مبارزه آزادیخواهان وارد آمده است و زشت‌ترین و زیان‌بخش‌ترین بدعتی است که گذاشته می‌شود.

(۳) عمل انشعاب در ایامی انجام یافته که جبهه آزادیخواهان ایران به وحدت بیشتری نیازمند بوده و هیچ فرد یا ایمانی امکان ندارد در این موقع اگرچه شخصا به تصور خود یا مشکلاتی روبرو گردد به چنین عمل زشت و مضر و خطرناکی دست بزنند بلکه سعی می‌کند ظرفیت نشان داده، از توقعات بی‌جا و غیرعملی خود دست بردارد تا در ایام سخت به هر جهت یگانگی محفوظ بماند. هر فرد با ایمان حزبی تنها به انتقادات و اصلاحاتی معتقد است که لازمه آن تشبث داخلی حزب و تفرقه و تنزل اعتبار آن نباشد. روش تجزیه‌طلبی با هیچ منطقی معقول نیست مگر با منطق لجاج و خودپسندی جتون آمیز و دشمنی با مصالح ملت.

(۴) سعی در جبران این خطا در این موقع به تحکیم سازمان حزب کمک می‌کند و یک اقدام بجا و منطقی و مطابق وجدان اجتماعی است که باید مورد توجه کافی قرارگیرد و در عین حال با این عمل کسانی که جبران خطا می‌کنند خود را از سقوط در یک پرتگاه نجات خواهند داد.

(۵) عمل انشعاب از طرف عموم افراد با ایمان حزب و سازمان‌های مترقی و اتحادیه‌های کارگری با نفرت و بی‌زاری تلقی شده و مسلماً ادامه آن در حکم بی‌اعتنائی خودپسندانه نسبت به آراء این سازمان‌ها و ادامه یک روش سرایا مضر خواهد بود.

هیئت اجرائیه موقت حزب توده ایران که، برخلاف روش تقنین آمیز و دعاوی سرایا دروغ مسبین انشعاب، هنوز هم می‌خواهد به اشتباهکاران فرصت جبران خطا بدهد آنچه را که باید تذکر بدهد تذکر داده و آخرین وظیفه خود را انجام داده است.

این اختاریه به منزله اتمام حجت برای کسانی است که ممکن است ندانسته به چنین خطائی دست زده و خود را در جاده غلط و خطرناکی وارد ساخته‌اند.

هیئت اجرائیه موقت حزب توده ایران

مهلت هیئت اجرائیه به پایان رسید و استعماون به جر چند نفر در خیانت
اصرار ورزیدند. از این جهت هیئت اجرائیه آخرین تصمیم خود را به موجب
قرار مورخ ۲۳/۱۰/۲۶ (مقل از شماره ۲۵۰ روزنامه مردم) بسرخ ریر اعلام داشت :

قرار هیئت اجرائیه، موقت حزب توده ایران
مصوب جلسه ۱۳۰ تاریخ ۲۳/۱۰/۲۶
این قرار به اتفاق آراء در هیئت اجرائیه به تصویب رسید

درباره ماهیت عمل "انشعاب"

۱) فرجه پنج روزه هیئت اجرائیه به سر رسید و چنان که معلوم است، جز
هفت نفر، کسانی که در عمل انشعاب شرکت حسنه بودند، خواستند از راه خطای
خود بازگردند. این مسئله با وضوح تمام نشان می دهد که کم تر کسانی در میان
مرنکس این خطا حساب نکرده به این طریق گمراهی گزاینده اند.

این مسئله همچنان نشان می دهد که میاثرین این عمل از مدتی پیش برای
بديرفتی این راه مستعد شده بودند و چنان قلب ماهیت کرده اند که تدکار و پند
در آن ها موربست. با این وجود، غفلت زدگانی هستند که از دامنه خطا
سی خسرید و آن ها چه اندازه نادم خواهند شد که در این پنج روز از فرصت
بارگشت به حزب و احراز مجدد موقعیت اجماعی خود استفاده ننموده اند، ولی
آن ها همیشه فرصت خواهند داشت که خود را از این فعالیت خطرناک به کناری
کشیده عملا حسن نیت خود را به ثبوت رسانند.

۲) بر طبق اطلاع مسلم و قضاوت بدون تردید هیئت اجرائیه عمل انشعاب
متوجه توطئه ممتدی است که در عرض یک سال اخیر در حزب وجود داشته، با
انتشار کتاب چه باید کرد آغاز شده و با انتشار کتاب حزب توده ایران سردو
راه به مرحله حدیث و عملی تر خود وارد گردیده و با انشعاب خاتمه یافته
است. این عمل به کارگردانی خلیل ملکی و اعضاء فراکسیون مخفی "آوانگاردیست"
اجرام گرفته هدف آن منفعر کردن حزب از داخل، تضعیف و ایجاد یک سازمان
عوام فریبی به اصطلاح "سوسالست" و "مرفی" است.

این انشعاب مربوط به فعالیت مخفی و مرموز امپریالیسم در داخل حزب ما
بوده که با کلیه وسایل مستقیم و غیر مستقیم خود ماهرانه عمل کرده و از کلیه
انحرافات فکری و خود پسندی ها و تنگ نظری ها استفاده کرده است. حزب برای
توضیح مقنن بر این توطئه "تحریک و خرابکاری" به زودی اعلامیه ای منتشر
خواهد کرد و جریان این توطئه را فاش راهد ساخت.

۳) سایرین عمل "انشعاب" عملی است خائنه و به قصد خیانت انجام
گرفته است و افرادی که در این عمل شرکت داشتند بعضی دانسته و بعضی
ندانسته به سازمان حزبی خود، راه و روش آن، خیانت کرده اند.